

منابع مالی دولت اسلامی

دولت اسلامی برای عمل به تعهدات خود، طبعا به منابع مالی کافی نیازمند است. اصل مورد پذیرش تمامی فقها این است که دولت حق ندارد منابع مورد نیاز خود را از طریق مصادره اموالی به دست آورده که به طور مشروع توسط افراد یا گروه ها کسب شده است.



دولت اسلامی برای عمل به تعهدات خود، طبعا به منابع مالی کافی نیازمند است. اصل مورد پذیرش تمامی فقها این است که دولت حق ندارد منابع مورد نیاز خود را از طریق مصادره اموالی به دست آورده که به طور مشروع توسط افراد یا گروه ها کسب شده است.

شبکه اجتهاد؛ یکی از وظایف دولت اسلامی، تضمین سطح زندگی آبرومندانه ای برای تمامی افرادی است که توانایی تامین نیازهای خود را نداشته و از این رو نیازمند به کمک هستند.

دولت اسلامی برای عمل به تعهدات خود، طبعا به منابع مالی کافی نیازمند است. اصل مورد پذیرش تمامی فقها این است که دولت حق ندارد منابع مورد نیاز خود را از طریق مصادره اموالی به دست آورده که به طور مشروع توسط افراد یا گروه ها کسب شده است. اگر به دست آوردن منابع مالی از طریق مصادره یا ملی کردن بدون جبران مناسب را کنار بگذاریم، پس منابع مالی اولیه دولت اسلامی با احتساب فروش خدمات دولتی، شامل این موارد خواهد بود: 1- زکات 2- درآمد حاصل از منابع طبیعی 3- مالیات گیری 4- استقراض 1- زکات

برای تحقق جامعه اسلامی، شبیه یک خانواده هسته ای واحد، که در آن ثروت به طور عادلانه توزیع شده و نیازهای اساسی تمامی افراد مستحق، از طریق کمک های برنامه ریزی شده و سازمان یافته دولت، برآورده شود، اسلام یک سیستم امنیت اجتماعی توانمندی ایجاد کرده و به گونه ای به آن تقدس مذهبی بخشیده است. پرداخت زکات، به میزان معینی از ارزش خالص درآمد که به صندوق زکات واریز می شود، فریضه مذهبی هر مسلمانی است. زکات از چنان اهمیتی در اسلام برخوردار است که هر جایی که قرآن از فریضه نماز سخن می گوید، همزمان بر الزام مسلمانان به پرداخت زکات نیز تاکید می کند. در این باره پیامبر گرامی اسلامی (ص) فرموده است: «#171؛ هر کسی که نماز را به جای می آورد ولی زکات پرداخت نکند، نماز او هیچ ثمره ای ندارد».

2- درآمد حاصل از منابع طبیعی

این مسئله که خداوند منابع طبیعی را برای رفاه تمامی مردم اختصاص داده، مسئله پذیرفته شده ای در دین اسلام است. سود مالی حاصل از این منابع باید به تمامی مردم اختصاص داده شود و تحت هیچ شرایطی، نباید در اختیار افراد یا گروه های خاصی قرار گیرد. پذیرش این اصل، ضرورتا به معنی انحصار دولت بر این منابع نیست. خواه دولت یا موسسات خصوصی، بهره برداری از این منابع را اداره کنند، بهره برداری از منابع طبیعی باید تحت ضابطه بازدهی انجام شود.

3- مالیات گیری

در صورتی که مالیات به شیوه ای عادلانه و به میزان قابل تحملی گردآوری شود، حق دولت اسلامی برای جمع آوری مالیات، قابل چون و چرا نیست. بر اساس این فرموده پیامبر (ص) که «#171؛ در اموال شما تعهداتی فراتر از زکات وجود دارد» و همچنین باتوجه به یکی از اصول فقه اسلامی به این مضمون که «#171؛ سود اندک باید فدای به دست آوردن سود بیشتر شود و نیز دفع افسد به فاسد واجب است»، می توان از حق مالیات گیری دولت دفاع کرد.

اغلب فقها، بر حق دولت برای مالیات گرفتن، صحه می گذارند. با این وجود، تنها یک سیستم مالیات گیری عادلانه با روح اسلام سازگاری دارد. سیستم مالیات گیری که بسیار سنگین و یا از حد توان مردم خارج باشد، در اسلام بالاجماع رد شده است. به نظر می رسد که در پرتو اهداف عدالت اجتماعی و توزیع عادلانه درآمدها، یک سیستم مالیات گیری تصاعدی، به طور کامل با اهداف اسلام، سازگار باشد.

4- استقراض

اگر درآمدهای حاصله از منابع مذکور (به اضافه فروش خدمات) کافی نباشد، دولت اسلامی به استقراض نیازمند خواهد بود. در این مورد، به خاطر دستور اسلام در مورد حرمت ربا، استقراض باید بدون بهره باشد. برای تحقق پروژه های درآمدزایی مطمئن که پاسخگوی فروشی خدمات و تقسیم سود باشد، می توان وجوه را بر مبنای تسهیم سود گردآوری کرد. با این حال، دامنه این امر در مورد اغلب پروژه های عمومی، محدود است. در صورتی که تسهیم سود امکان پذیر یا عملی نباشد، دولت اسلامی ممکن است مجبور به استقراض شود و این امر در صورتی ممکن خواهد بود که بخش خصوصی جامعه اسلامی، به گونه ای تحت تاثیر تعالیم اسلامی قرار گرفته باشد که مشتاق چشم پوشی کردن از بهره پول خود باشد.

منبع: روزنامه رسالت